

Receive Date:
16/08/2022

Accept Date:
11/01/2023



Research Article

Vol.18, No. 2, Serial 34

Autumn & Winter
2022

pp.: 131-143

Analyzing the State of the Sexual Intelligence Concept in Cyberspace Based on the Goals of the Philosophy for Children Curriculum

DOI: <https://dx.doi.org/10.22070/TLR.2023.16631.1312>

**Zeinab Beiranvand¹, Yahya Ghaedy^{2*}, Saeid Zarghami Hamrah³,
Mohsen Farmahini Farahani⁴**

1. *Ph.D. Student of Philosophy of Education Kharazmi university, Tehran, Iran.
Email: z.beiranvandphd@yahoo.com*
2. *Associate Professor, Department of Philosophy of Education Kharazmi university, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
Email: yahyaghaedy@yahoo.com*
3. *Associate Professor, Department of Philosophy of Education Kharazmi university, Tehran, Iran.
Email: pahmadi@alzahra.ac.ir*
4. *Associate Professor, Department of Philosophy of Education Shahed, Tehran, Iran.
Email: farmahinifar@yahoo.com*

Abstract

Introduction: This study aimed to analyze the state of the sexual intelligence concept in cyberspace based on the goals of the philosophy for children (P4C) curriculum. The fundamental question is what Lipman and his colleagues present in relation to their educational program for a fundamental transformation in children's education, what implications does it have for sexual intelligence in cyberspace? The educational program of philosophy for children, which is based on a central theory and uses a very effective practical method and emphasizes the real indicators of improving children's intelligence level, which seems to be an effective step to achieve this goal.

Method: To meet the first and second objectives, content analysis and inferential methods of practical analogy were utilized, respectively. The statistical population of the study included all documents, sources, and databases related to the research topic that were identified and then purposefully studied and analyzed in depth.

Results: The study findings revealed that the core of sexual intelligence in cyberspace based on the goals of the P4C curriculum was built on three main components, namely, critical sexual intelligence in cyberspace, creative sexual intelligence in cyberspace, and caring sexual intelligence in cyberspace, which could be practiced and achieved under four principles, viz. understanding sexual concepts (i.e., sexual knowledge), avoiding misconceptions, appreciating relationships and sexual abstinence, assuming sexual responsibility, and observing sexual ethics in cyberspace, relying on P4C.

Discussion and Conclusion: The results of this research can be a stimulus for policymakers and education planners, especially educators who seek to find a way to accelerate the sexual education of children in cyberspace based on the philosophy program for children in order to develop cognitive, and social skills and reach intelligence. are sexual in children.

Keywords: Sexual Intelligence, Higher-Level Thinking, Cyberspace, Philosophy for Children

واکاوی جایگاه مفهوم هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان

DOI: <https://dx.doi.org/10.22070/TLR.2023.16631.1312>

زینب بیرانوند^۱، یحیی قائدی^{۲*}، سعید ضرغامی همراهِ^۳، محسن فرمهینی فراهانی^۴

۱. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: z.beiranvandphd@yahoo.com

۲. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: yahyaghaedy@yahoo.com

۳. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: zarghamii2005@yahoo.com

۴. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Email: farmahinifar@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش، واکاوی جایگاه مفهوم هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان است. پرسش بنیادین این است که آنچه لیپمن و همکارانش در ارتباط با برنامه آموزشی خود برای تحولی اساسی در تعلیم و تربیت کودکان ارائه می‌دهند چه دلالت‌هایی برای هوش جنسی در فضای مجازی دارد؟ به نظر می‌رسد برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان که بر پایه‌ی یک نظریه مرکزی استوار است و از یک روش کاربردی بسیار مؤثر بهره می‌برد و بر شاخص‌های واقعی ارتقاء سطح هوشی کودکان تأکید دارد بتواند برای رسیدن به این هدف، گامی مؤثر باشد. روش پژوهش برای هدف اول «تحلیل محتوا» و برای دیگر اهداف «روش استنتاجی از نوع قیاس عملی» است. جامعه تحلیلی پژوهش شامل کلیه اسناد، منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع تحقیق بود که شناسایی و سپس به صورت هدفمند و عمیق مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که هسته اصلی هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر اهداف فلسفه برای کودکان بر سه مؤلفه اصلی (هوش جنسی انتقادی در فضای مجازی، هوش جنسی خلاقانه در فضای مجازی و هوش جنسی مراقبتی در فضای مجازی) استوار است که ذیل چهار اصل (درک مفاهیم جنسی (دانش جنسی) و دوری از باورهای غلط، درک روابط و خویشتن‌داری جنسی، مسئولیت جنسی و اخلاق جنسی) در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان، قابل پیگیری و دست‌یابی است. نتایج حاصله از این پژوهش می‌تواند محرکی باشد برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت، به ویژه مربیانی که به دنبال یافتن راهی در جهت تسریع در امر تربیت جنسی کودکان در فضای مجازی مبتنی بر برنامه فلسفه برای کودکان به‌منظور رشد مهارت‌های شناختی، اجتماعی و رسیدن به هوش جنسی در کودکان هستند.

کلیدواژه‌ها: هوش جنسی، تفکر سطح بالا، فضای مجازی و فلسفه برای کودکان.

نشریه علمی

پژوهش‌های آموزش و یادگیری

دوره ۱۸، شماره ۲، پیاپی ۳۴
پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص: ۱۳۱-۱۴۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

مقاله پژوهشی

Journal of

Training & Learning Researches

Vol.18, No. 2, Serial 34

Autumn & Winter
2022

pp.: 131-143

مقدمه

امروزه، در عصر فضای مجازی، افزایش استفاده از فناوری‌ها و رسانه‌های دیجیتال جدید به‌ویژه در بین کودکان و نوجوانان در سراسر جهان شایع است [۱]. تا جایی که استفاده از رسانه‌های دیجیتال، در بسیاری از کشورها امری معمولی شده و ویژگی‌هایی چون: ناشناس بودن، سهولت و دسترسی، بر سرعت این مسئله افزوده است [۲].

حجم بالای اطلاعات درست و غلط آنلاین همراه با کیفیت متفاوت، چالش‌های بیشتری را برای کودکانی که فاقد مهارت‌های لازم برای ارزیابی انتقادی اطلاعات از نظر دقت و عینیت هستند، ایجاد می‌کند. این در حالی است که بسیاری از این اطلاعات نیز ممکن است برای کودکان خطرناک باشد، مانند اطلاعات و تبلیغات خشونت‌آمیز، نژادپرستانه یا پورنوگرافیک [۳]. به‌طوری‌که باید گفت فناوری‌ها و اجتماعات مجازی با حذف تفکر و با ارائه انبوه اطلاعات به‌جای دانش و نیز با تبلیغ سطحی‌اندیشی به‌جای کشف معنا و به دلیل عدم کنترل و نظم‌یافتگی مدنی (خاصه در حوزه امور جنسی)، به تهدیدی جدی علیه امنیت اخلاقی- اجتماعی کودکان و نیز تجربه تکرارناپذیر کودکانه خردسالان تبدیل شده [۴] و زمینه را برای چالش بزرگ‌تری به نام «زندگی منهای تفکر» در عصر دیجیتال فراهم آورده است.

در چنین فضایی که فرصت‌ها و تهدیدها باهم درآمیخته و نظارت اینترنتی و ایجاد محدودیت حتی از نوع عقلانی آن، تا حدودی دشوار بوده و از اثرمندی پایینی برخوردار است، به نظر می‌رسد کودکان برای بهره‌گیری از اطلاعات، حضور بانشاط در جهان ارتباطات و تعامل پویا با رسانه‌های جدید، نیازمند برخورداری از مهارت‌های ویژه‌ای هستند [۵]. مهارت‌هایی که ضمن ارزش قائل شدن به رشد متقابل و کشف ایده‌های بدیع و بهره‌گیری از تخیل و انواع تفکر مراقبتی، انتقادی و خلاقانه، در پی ارتقای خود رهبری آن‌ها است [۶]. چراکه هدایت کودکان از طریق توانمندسازی و ارتقاء مهارت‌های فکری و هوشی آن‌ها برای پرداختن به تفکر مستقل، اثر راهبردی مؤثرتری برای مصون ماندن در برابر آسیب‌ها از خود برجای خواهد گذاشت. همچنین ضروری است در تغییر نگرش و رفتار کودکان نسبت به فناوری‌های جدید تلاش کنیم تا به‌جای پذیرش منفعلانه اطلاعات، راه‌هایی را بیاموزند که بتوانند برای خود فکر کنند و سؤالات

مهم بپرسند. برای رسیدن به این هدف، باید از آن دسته از برنامه‌های آموزشی که بر پایه‌ی یک نظریه مرکزی که روش‌های کاربردی از آن ریشه گرفته باشد و بر شاخص‌های واقعی ارتقاء سطح مهارت‌های فردی و هوشی کودکان تأکید دارد یاری گرفت.

برای این منظور باید گفت، فلسفه برای کودکان^۱ (p4c)، جنبشی است که توسط متیو لیپمن^۲، با همکاری آن مارگارت شارپ^۳ در سال ۱۹۷۰ با هدف ورود فلسفه به مدارس به‌صورت رسمی تأسیس شد. آموزش مورد استفاده در این برنامه (اجتماع پژوهشی)، بر ایده‌های اصلی زیر استوار است: الف) کودکان قادر به انجام فلسفه هستند و از انجام آن سود خواهند برد؛

ب) فلسفه یک فعالیت، البته، نه برای یادگیری نظریه‌های فلسفی، بلکه برای فلسفه‌پردازی است؛

ج) این فعالیت بهتر است با دیگران انجام شود؛ د) نقش ایجادکننده فضایی را دارد که در آن کودکان می‌توانند با اطمینان از رعایت قوانین و مراحل تحقیق، با یکدیگر فلسفه‌ورزی کنند و شهروندانی دموکراتیک شوند^۴ [۷].

به نظر می‌رسد، این برنامه می‌تواند با ارائه سبک جدیدی از آموزش، که بر پایه آموزش عملی تفکر انتقادی و پرورش مهارت‌های شناختی و اجتماعی کودکان و نوجوانان، با هدف تقویت و بالا بردن مهارت استدلال، داوری، قدرت تمیز و حل مسئله [۸]، همراه با توجه به دو بعد دیگر تفکر یعنی تفکر خلاق و مراقبتی استوار است، در توانمندسازی کودکان برای مدیریت صحیح میل جنسی در فضای مجازی و بروز رفتارهای جنسی مناسب از طریق رشد توانایی‌های هوشی، خصوصاً پرورش هوش جنسی آن‌ها، مؤثر باشد. در رویکرد فلسفه برای کودکان، «هوش» تنها معادل رشد بعد شناختی نبوده؛ بلکه تمام ابعاد رشدی کودکان را مورد توجه قرار می‌دهد. لیپمن و همکارانش (۱۹۸۰) می‌گویند: «هوش^۵، ذهن‌گرایانه نیست. ما هوش را چنان چیزی که در ذهن اتفاق می‌افتد در نظر نمی‌گیریم؛ بلکه هوش می‌تواند در هر شکل و رفتار بشر عرضه شود: در اعمال او، در خلاقیت‌های هنری او، در تأملات و کلام او» [۹].

از آنجاکه «هوش» معادل زمینه شناختی نبوده؛ بلکه به‌عنوان درک کامل‌تری از تمامیت تجربه انسان در زمان تکامل مدنظر است در ارتباطش با بعد تحول جنسی کودکان،

⁴ (see for example D'Olimpio & Teschers,2016; Gagnon & Yergeau,2016; Glaser,2017; Golding,2010; Gregory, Haynes, & Murriss,2017; Hannam & Echeverria,2009; Michaud & Väliatalo,2017; Nussbaum,2010; Sharp 1991/2017.

⁵. Intelligence

¹ Philosophy for Children

² Matthew Lipman

³ Ann Margaret Sharp

۳- مؤلفه‌های اصلی هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر برنامه درسی فلسفه برای کودکان کدامند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر پارادایم کیفی است و از روش تحلیل محتوا، با بررسی مدارک و اسناد برای تحلیل مفاهیم کلیدی مرتبط با هوش جنسی، فضای مجازی و برنامه درسی فلسفه برای کودکان و جهت استخراج عناصر اصلی و اصول حاکم بر مفهوم هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان از روش «استنتاجی از نوع قیاس عملی» استفاده شده است.

روش استنتاجی یا قیاس عملی «فرانکنا» متشکل از یک مقدمه هنجارین و یک مقدمه توصیفی است. اولی (مقدمه کبرا)، دربرگیرنده مواردی است که از خوبی برخی چیزها سخن می‌گوید و شامل مواردی است که بیانگر خواسته یا نیاز فرد است و دومی ناظر به وسیله نیل به خواسته یا هدف مذکور در مقدمه هنجارین است. نتیجه نیز حاکی از عمل یا استفاده از آن وسیله برای رسیدن به غایت مذکور است. برخی نیز برآنند که نتیجه نه حاکی از خود عمل، بلکه بیانگر داوری عملی است که می‌تواند منجر به تحقق عمل شود [۱۴]. این الگو دارای الگوی پیش‌رونده و پس‌رونده است. به استنتاج آراء و عناصر تربیتی پرداخته می‌شود و در الگوی پس‌رونده مسیر حرکت برعکس است [۱۴].

جامعه‌ی پژوهش شامل کلیه‌ی اسناد، مدارک و منابع مرتبط با هوش جنسی کودکان، فضای مجازی و همچنین فلسفه برای کودکان است، حجم نمونه، حداکثر اسناد پژوهشی به‌دست‌آمده اعم از کتاب‌ها، مقاله، رساله، گزارش و طرح پژوهشی مرتبط با موضوع تا حد اشباع می‌باشد و از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است.

یافته‌ها

بایسته‌های هوش جنسی در مواجهه با فضای مجازی:

گسترش فناوری‌های فضای مجازی، رویارویی با حجم انبوهی از پیام‌ها و اطلاعات موجود و انتشار سریع آن‌ها، پرسش‌هایی را در مورد توانایی کودکان برای مدیریت، ارزیابی و تفکر انتقادی درباره اطلاعات و تجاری که به دست می‌آوردند و به اشتراک می‌گذارند، ایجاد می‌کند و ما را به این چالش می‌کشد که این فناوری‌ها بر هوش فرد می‌افزاید یا آن را کاهش می‌دهد؟ [۱۵ و ۱۶]. برای رسیدن به پاسخی مناسب

ما را به درک دقیق‌تر و کاربردی‌تری از عبارت هوش جنسی برای رویارویی خلاقانه‌تری با مسائل جنسی در فضای مجازی می‌رساند تا همان‌گونه که لینچ^۱ (۱۹۹۰) معتقد است: هوش جنسی در این معنا نوعی آموزش و یادگیری مداوم است که هم‌زمان بر الگوهای شناختی و تجربی زندگی تأکید دارد و به آموزش جنسی به‌عنوان یک درک واقعی و مرتبط با تمامیت تجربه انسان کمک می‌کند. به‌گونه‌ای که تمام ابعاد رشد جسمی، عاطفی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، جسمی، معنوی، اخلاقی و مذهبی کودکان را مورد توجه قرار می‌دهد و در تعادل تعاملات منطقی باهم وارد شده و کودک را به درک کامل‌تری از بلوغ جنسی می‌رساند [۱۰].

ضرورت توجه به این مطلب اینجاست، هم‌اکنون که زندگی در هزاره جدید، همراه با گسترش خارق‌العاده فناوری‌های فضای مجازی همچون «واقعیت افزوده»^۲ و «واقعیت مجازی»^۳ با ویژگی‌هایی مانند درک چندگانه، غوطه‌وری، تعاملی و فوری بودن [۱۱]، از یک‌طرف توانسته است تا درصد قابل‌توجهی بر محدودیت‌های مربوط به فعالیت‌های بدنی فائق آید؛ تا جایی که در یک محیط اجتماعی واقعیت مجازی^۴، ارتباطات دیجیتال و لمس فیزیکی باهم ترکیب می‌شوند و تعامل جزء‌به‌جزء را تسهیل می‌کنند. به‌طوری‌که کودکان می‌توانند به کشف هویت و حتی بررسی جنبه‌هایی از هویت مانند جنسیت یکدیگر در طی یک یادگیری مشارکتی بپردازند [۱۲].

و از طرف دیگر این فناوری‌ها قادر هستند تا با شبیه‌سازی انواع سناریوهای بالقوه خطرناک با استفاده از ساخت‌وسازهای چندبُعدی، در یادگیری چگونگی حل مشکلات (به‌تنهایی) که مهم‌ترین پایه برای کودکان برای محافظت از سلامت و ایمن‌سازی خود در طول رشد است مفید باشند [۱۳]. در چنین شرایطی این پژوهش تلاش نموده تا با هدف واکاوی جایگاه مفهوم هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان به‌عنوان یک ضرورت، به این مهم نزدیک شده و با تقویت «هوشیاری» کودکان «بومی دیجیتال» برای تجربه‌ی یک زندگی سالم، در زیست جهان مجازی (سکند لایف)^۵ مؤثر باشد و برای رسیدن به این منظور به سؤال‌های ذیل پاسخ دهد که:

- ۱- بایسته‌های هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر برنامه درسی فلسفه برای کودکان چیست؟
- ۲- هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر چه اصولی استوار است؟

⁴ Social Virtual Reality

⁵ Second life

¹ Lynch

² Augmented Reality

³ Virtual Reality

باید گفت، حذف برخی ابعاد مهم مانند مکان و زمان در واقعیت مجازی پیامدهایی چون عدم احساس تعهد و وظیفه به بار می‌آورد که دست‌یابی به سطوح بالای مهارت‌های عملی و نظری در تجربه مجازی را غیرممکن می‌سازد [۲۵].

برای مثال تجارب مجازی کودکان و ادراکاتشان از پیام‌های جنسی ارائه‌شده از تصاویر بدنی سلبریتی‌ها^۲ در فضای مجازی که به دلیل حذف محدودیت‌های بدنی، کاملاً فانتزی و سرشار از اغراق‌های زیبایی‌گرایانه و یا قدرت‌مندانه است؛ در کودکان منجر به نقص در شناخت واقعی از بدن خود و گرایش به مدگرایی بی‌حدومرز و خارج از دایره عقل و منطق می‌شود و چون کیفیت ادراک آن‌ها از پیام‌های جنسی در فضای مجازی نقش بنیادی بر هوشیاری و در نتیجه بروز رفتار هوشمندانه دارد، تلاش برای همسازي ادراکات از بدن مجازی با واقعیت‌های بدن فیزیکی امری مهم و ضروری است.

- فضای مجازی و بعد اجتماعی: فناوری‌های فضای مجازی توانسته‌اند با تسهیل راه‌های ارتباطی با صاحبان اطلاعات و برقراری ارتباط بدون حضور فیزیکی، در گسترش روابط اجتماعی مجازی فراگیران نقش قابل‌توجهی داشته باشند [۱۷]. برای مثال، واقعیت مجازی اجتماعی (CVR) به‌طور فزاینده‌ای در حال تبدیل‌شدن به یک اکوسیستم اجتماعی آنلاین در حال ظهور است که در آن چندین کاربر می‌توانند از طریق چند نمایشگر، در فضاهای مجازی سه‌بعدی با یکدیگر تعامل داشته باشند و به ایجاد صمیمیت مجازی و پیوندهای عاطفی قوی، تجربه تعامل اجتماعی غنی فراتر از گیم پلی، درگیر شدن در رفتارهای گروهی ظریف و مدیریت آزار و اذیت و قلدری دست یابند و حتی می‌توانن پویایی‌های اجتماعی پیچیده‌ای را در تعاملات بزرگسالان و خردسالان در چنین محیطی ایجاد کرد [۱۲].

به‌طور کلی همان‌گونه که برگمن [۲۶] معتقد است، در واقعیت مجازی، اطلاعات در پرتو توان فناوری، همچون رقیب واقعیت جلوه‌گر شده است، به‌گونه‌ای که اینترنت به افراد اجازه می‌دهد تا از محدودیت‌های زمان، جنسیت، نژاد و کم‌رویی رها شده و با چهره‌ای کاملاً دگرگون و جذاب در گستره وب ظاهر شوند [۲۷]. اما همان‌طور که لدریر^۳ می‌گوید، اطلاعات از نوع بودن مصنوعی بوده و نوعی ابداع است که با منحرف کردن مسیر برخی اشیاء طبیعی از مقصد اصلی و اولیه خود، قابلیت اشیاء طبیعی برای خلقت اشیاء طبیعی پیچیده‌تر را سلب می‌کند [۲۸] و منجر به حاکمیت نظام فناورانه و حذف آزادی اندیشه کاربر می‌شود.

ضمن تأکید بر این واقعیت که فناوری‌ها، چه قدیمی و چه جدید، مستقل از انسان‌هایی که طراحان آن‌ها هستند و به‌طور مداوم با آن‌ها در تعامل بوده و آن‌ها را تغییر می‌دهند، عمل نکرده، همان‌طور که انسان‌ها نیز مستقل از فناوری‌ها، وجود ندارند [۱۶]، باید با رویکردی جامع به آن‌ها در ارتباط با ابعاد تحولی انسان نگریسته شود:

- فضای مجازی و بُعد شناختی: هرچند فناوری‌های فضای مجازی می‌تواند فرایند آموزش را از طریق دسترسی آسان به حجم زیادی از اطلاعات، طراحی چندرسانه‌ای آموزشی و آموزش مجازی تسهیل کنند [۱۷]؛ اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استفاده گسترده از اینترنت توانایی کودکان برای پردازش و تفسیر اطلاعات را کاهش داده و منجر به وابستگی آن‌ها، اضافه‌بار شناختی، کاهش توجه و در نتیجه تفکر پراکنده می‌شود [۱۵]. تا جایی که این حجم از اطلاعات، کودکان را به سمت گرایش به «چندوظیفه‌ای» سوق داده و از کارآمدی شخص می‌کاهد [۱۸]. علاوه بر این، مشخص شده است که دسترسی آسان به محتوای دیجیتال با «حافظه» انسان تداخل می‌کند و حس دانش را در افراد می‌کشد [۱۹] تا جایی که احساس می‌کنند بیش از هر زمان دیگری می‌دانند. درحالی‌که اتکای آن‌ها به اینترنت به این معنی است که ممکن است کمتر در مورد خود و دنیای اطرافشان بدانند» [۲۰]. بنابراین کودکان بومی دیجیتال با انبوهی از پیام‌های درست و غلط جنسی و در اکثر مواقع غیرمتناسب با سن خود مواجه می‌شوند که نه‌تنها دانش جنسی آن‌ها را افزایش نمی‌دهد؛ بلکه به بسیاری باورهای غلط پیرامون مسائل جنسی‌شان نیز می‌انجامد.

- فضای مجازی و بُعد جسمی (بدن آگاهی): فرایندهای فکری ذهن نه‌فقط در مغز (به‌عنوان یک محل هرچند پیچیده برای فعالیت ذهنی)، بلکه در کل ارگانیسم اتفاق می‌افتد [۲۱] و علاوه بر این، چسبندگی و همپوشانی جدایی‌ناپذیری بین ادراک‌کننده و درک‌شده وجود دارد [۲۲]. دمسویا (۱۹۹۹) اشاره می‌کند که، هوشیاری ویژگی مغز نیست، در عوض، مغز را یک پیش‌نیاز ضروری برای تجلیات ذهنی آگاهانه ما از زندگی دانسته و می‌گوید: تجربه جسمانی ما، بدن زیسته ما جزئی از زنده‌بودن ماست حتی زمانی که به‌سختی متوجه آن می‌شویم [۲۳].

در تجربه مجازی باید گفت که، جدایی از بدن نمی‌تواند ما را از تجربه‌ی ذهنی درد رها کند؛ ما در تجربه مجازی شاید مجبور شویم راهی برای فراموشی بخشی از بدن خود بیابیم ولی کنار گذاشتن کامل بدن ممکن نیست [۲۴]. با این وجود

³ Ladriere

¹ Damasio

² Celebrity

کلی حاکم بر هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان، ضروری است که عبارت‌اند از:

- اصل معطوف بر درک مفاهیم جنسی (دانش جنسی) در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان: کودکان از طریق (توانایی مفهوم‌یابی در تجربه)، که یکی از اهداف اصلی برنامه درسی فلسفه برای کودکان است به راحتی می‌توانند مفاهیم و معانی موجود در تجارب مربوط به ارتباطاتشان در فضای مجازی را کشف و محدوده تفاوت واژگان نزدیک به هم را درک کنند و همان‌گونه که لیپمن (۱۹۸۰) می‌گوید، یادگیری درباره‌ی کلمات چندمعنایی، کودکان را آماده می‌کند تا با فریبکاری که غالباً مشخصه‌ی جهان پیرامون ماست مقابله کنند، همچنین به آن‌ها کمک می‌کند تا روابط بین کلمه‌ها با همدیگر، اشیا با یکدیگر و کلمه‌ها با اشیا را کشف کنند [۳۳] و این‌گونه در تجارب مجازی خود ضمن فهم اصطلاحات و اشیا، روابط ضمنی بین آن‌ها را نیز درک کنند. این در حالی است که در فضای مجازی، مفاهیم مربوط به مسائل جنسی (متن‌ها، دیالوگ‌ها، تصاویر پورن، استیکرها و...) چنان در هم آمیخته است که برای مثال مرز بین عشق، جاذبه جنسی، عشق ناگهانی و گذرا و دوستی و... به شدت دچار ابهام می‌شود و به دلیل ویژگی‌های خاص خود بسیار مهیج و جذاب بوده و درعین حال فرصت هرگونه مقایسه و تفکر را از مخاطب خود می‌گیرند.

برنامه درسی فلسفه برای کودکان، آن‌گونه که کمک می‌کند تا کودکان بتوانند با بررسی رابطه کل و جزء در تجاربشان، و یافتن جنبه‌های مختلف یک مسئله و توجه به جزئیات آن تا حد ممکن مفهوم تجارب مجزا و پراکنده را مرتبط باهم درک کنند؛ به نحوی که این تجربه‌ها برایشان با معنا جلوه کند [۳۴]، همچنین قادر خواهد بود تا با استفاده از فناوری‌های پیشرفته فضای مجازی، فرصتی ایجاد کند تا کودکان، مفاهیم جنسی موجود در فضاهای مجازی محبوبشان را با تجربیات خودشان در دنیای طبیعی، سازمان‌دهی کنند و از این طریق بین معانی و تجربه شخصی که پیرامون پیام‌های جنسی داشته‌اند ارتباط برقرار کنند.

علاوه بر این در مقابل بی‌توجهی فضای مجازی به باهم نگری رویدادها و ارتباط کلی آن‌ها با همدیگر، فلسفه برای کودکان با تأکید بر فراهم آوردن «جامعیت» در همه امور [۳۵] در تلاش است تا در مواجهه درست کودکان با مسائل جنسی‌شان در فضای مجازی که نیازمند داشتن درک جمعی از ابعاد موضوعات مهم جنسی است مؤثر باشد و به کودکان کمک کند تا از افتادن در دام باورهای غلط جنسی در فضای مجازی مصون بمانند.

- فضای مجازی و بعد عاطفی: فناوری‌های فضای مجازی چه به واسطه لذت دسترسی به آن‌ها و چه به دلیل هیجان ناشی از مواجهه با تصاویر دوبعدی، سه‌بعدی، شفاف و متنوع در آن، به شکل قابل توجهی پاسخگوی احساسات شدید و آنی کاربران خود هستند؛ برای مثال، فناوری‌های واقعیت مجازی اجتماعی، با برقراری ارتباط صمیمی بین کاربران از طریق کنترل آواتار آن‌ها صمیمیت مجازی و ارتباطات عاطفی را فراهم کرده [۲۹] و پتانسیل افزایش احساسات و احساس حضور را ایجاد می‌کنند؛ اما همان‌طور که ضرغامی معتقد است، تجربه مجازی بیش از آنکه بدنی باشد ذهنی است و به همین دلیل با حذف محدودیت‌های بدنی که منجر به حذف تعهد و مسئولیت‌پذیری می‌شود، نمی‌تواند دربرگیرنده تجربه‌های عمیق حسی و بدنی کاربران خود شده و به رشد کامل این بعد از شخصیت آن‌ها کمک کند [۱۷].

پارادوکس بین «واقعی - مجازی» که موجب منحصربه‌فرد شدن فضای مجازی شده است درست به‌مانند آنچه ورتهایم^۱ (۱۹۹۹) توضیح می‌دهد که، «فضای سایبری بدون فیزیک نمی‌تواند وجود داشته باشد، اما در تلقی صرفاً فیزیکیالیستی از امر واقعی نیست» [۳۰]، اشاره به این مطلب دارد که نیاز به «احساس»، مجازی را در واقعیت فیزیکی فرد مستقر می‌کند و فضای مجازی را به دنیای فیزیکی پیوند می‌دهد. در این صورت همان‌طور که الوند^۲ (۲۰۱۲) می‌گوید، یک فرد در رایانه یک گیرنده غیرفعال اطلاعات روی صفحه نیست، بلکه او فعالانه در حال جستجوی حالات احساسی از طریق محیط مجازی است [۳۱].

بنابراین باید گفت که فضای مجازی به‌عنوان یک رویداد فناورانه، دهکده‌ای جهانی با ابعادی گسترده است که با انسان رابطه تنگاتنگی داشته و همه ابعاد وجودی او را تحت تأثیر می‌گذارد. به‌طوری‌که انسان به‌عنوان صانع و کاربر فناوری‌های فضای مجازی، زمانی که از موضع غیرفناورانه با آن مواجه می‌شود با چالش‌هایی در حوزه اخلاق، معنایابی، تعالی جویی، نوع و میزان مسئولیت‌پذیری و درک نسبت حقیقی با بدن خود روبرو می‌شود [۳۲]. لذا باید تلاش کند تا با پرسش از پارادایم فناوری‌های فضای مجازی به ماهیت حقیقی آن دست یابد و با آگاهی کامل، آن را به اختیار خود درآورده و به‌واسطه آن بر احاطه بیشتر خود بر اطلاعات و واقعیات جهان بیفزاید.

اصول حاکم بر هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان:

بر پایه بایسته‌های تربیت جنسی در فضای مجازی و اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان، وجود چهار اصل

² Elund

¹ Wertheim

- اصل معطوف بر شکل‌گیری مسئولیت جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان: از دیگر اهداف برنامه فلسفه برای کودکان، پرورش اخلاق شهروندی؛ یعنی خلق شهروند مسئول و آگاه با هدف اجتماعی شدن کودکان است. نکته اصلی در خصوص پیوند این هدف از برنامه درسی فلسفه برای کودکان با هوش جنسی در فضای مجازی، در به هم آمیختگی دو عنصر یادگیری و تفکر در فرایند گفتمان اجتماعی شدن کودکان در فضای مجازی است؛ یعنی کودکان بومی دیجیتال^{۱۱}، زمانی می‌توانند به‌عنوان شهروند دموکراتیک به حساب بیایند که در مواجهه با انبوه اطلاعات عرضه‌شده در فضای مجازی، ضمن داشتن اطلاع کافی از پیامدهای مربوط به آن‌ها (آگاهی)، مواجهه‌ای معقولانه داشته باشند (تأمل‌گرایی)، تا قادر باشند در عین‌رهایی از هر تعلق و جبری، با اتکا به نیروی تعقل و تفکر و تدبیر و در سایه اختیار و انتخاب، به انسان‌ها و محیط پیرامون خود بیندیشند و تکالیف و مسئولیت‌های خویش را در نظر بگیرند و در مجموع به سمت کمال حرکت نمایند [۳۸].

نکته قابل‌توجه این است که دستیابی به این هدف از طریق پرورش مهارت‌های فکری حاصل می‌شود. تا از طریق: مستقل‌اندیشیدن و تصمیم‌گرفتن، خودتصحیحی، روان‌سخن‌گفتن، مستدل‌صحبت‌کردن، فعالانه‌گوش‌دادن، در میان‌گذاشتن ایده‌ها با دیگران، فکر‌بازداشتن، همکاری و مشارکت با یکدیگر، تقویت روحیه‌ی همدلی و احترام به دیگران به‌گونه‌ای هوشمندانه در مواجهه با حجم بالای پیام‌های صحیح و غلط جنسی در فضای مجازی، به متفکرانی نقاد، ارتباط‌گرانی اثرگذار و کسانی که توانایی تحلیل پیام‌های جنسی موجود در فضای مجازی را دارند، مبدل‌گشته و با درک عمیق‌تری از نقش فناوری‌های مجازی در زندگی خود و دیگران و افزایش تعامل فعالانه با آن‌ها از طریق تولید محتوای مفید در جامعه‌ی اطلاعاتی و فرایند جهانی‌شدن به شکلی آگاهانه و معقولانه، گام بردارند. همانند این اعتقاد جان دیویی (۱۸۹۷) که: آماده کردن کودک برای زندگی آینده یعنی او را مسئول خود کردن و طوری تعلیمش دادن که بتواند آماده استفاده کامل از تمام قابلیت‌هایش باشد [۳۹].

- اصل معطوف بر اخلاق جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان: یکی از اصول کلیدی به‌دست‌آمده در آموزه‌های فلسفه برای کودکان که می‌تواند در خصوص بُعد

- اصل معطوف بر درک روابط و رسیدن به خویشتن‌داری جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان: برای اینکه کودکان با انبوه پیام‌های جنسی تولیدشده توسط فناوری‌های فضای مجازی مواجهه هوشمندانه‌ای داشته باشند، باید قادر باشیم خویشتن‌داری جنسی، که یکی از فاکتورهای رفتار معقولانه است را در آن‌ها تقویت کنیم. برای رسیدن به این منظور، آموزش‌های مبتنی بر فلسفه برای کودکان با استفاده از روش اجتماع پژوهشی، از یک‌سو بر ایجاد و افزایش مؤلفه‌های درون‌فردی^۱ کمک می‌کند، این مؤلفه‌ها توانایی شخص را در آگاهی از هیجانات و کنترل آن‌ها افزایش می‌دهد و شامل (خودآگاهی هیجانی^۲، ابراز وجود^۳، احترام به خود^۴، جرئت‌مندی، خودشکوفایی^۵ و استقلال^۶) است، همانند عقیده چالز پیرس که پیشنهاد می‌کند، برای «خود» شدن باید عضوی از اجتماع بود [۳۶].

از طرف دیگر، بر ایجاد و افزایش مؤلفه‌های میان‌فردی^۷ در کودکان نیز تأثیرگذار است و از این طریق، توانایی شخص برای سازگاری با دیگران و مهارت‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد و شامل (همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی^۸، روابط میان‌فردی^۹) است. سافیلد^{۱۰}، دریافت وقتی کودکان در اجتماع پژوهشی برای مفاهیم انسان‌دوستانه دلایل منطقی می‌آورند که حاصل تفکر خود و هم‌کلاسانشان است و مهم‌ترین قواعد ارتباط‌جمعی همچون «همدلی»، خوب گوش‌دادن و پذیرش آرای متفاوت را تمرین می‌کنند درک دیدگاه دیگران و «روابط میان‌فردی» را امکان‌پذیر می‌کنند [۳۷].

بر پایه این اصل، در راستای ارتقاء هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان، با تبدیل اجتماعات مجازی به اجتماعات پژوهشی، تلاش می‌شود تا تفکر مستقل (تفکر سطح بالا) از طریق پرورش مهارت‌های فردی و بین‌فردی شامل خودآگاهی، خویشتن‌داری، ابراز وجود، ارتباط مؤثر، تصمیم‌گیری و مهارت‌های امتناعی همچون، جرئت‌مندی و رد تقاضاهای نامناسب همسالان و توانایی پایه‌گذاری روابط متقابل و رضایت‌بخش در کودکان بومی دیجیتال پرورش یابد تا آن‌ها بتوانند ضمن آگاهی از احساسات خود و دیگران در فضای مجازی، مسائل جنسی خود را با منطق و استدلال مطرح و رفتارهای جنسی را به‌طور نقادانه و خلاق درک و مدیریت کنند.

⁷ intrapersonal

⁸ social responsibility

⁹ interpersonal relationship

¹⁰ Swaffield

¹¹ Digital native children

¹ interpersonal

² emotional self awareness

³ assertiveness

⁴ self regard

⁵ self actualization

⁶ independence

تفکر انتزاعی تأکید می‌کند) [۴۰]. در وجهی از تشابه بر اساس اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان و اقتضات فضای مجازی، نیز می‌توان سه مهارت ناظر بر امر جنسی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی هوش جنسی در فضای مجازی در نظر گرفت که به ارتقای مؤلفه‌های فهم انتقادی کودکان برای برخورداری از مواجهه‌ای خلاقانه با محتواهای ارائه‌شده در فضای مجازی، در خصوص مسائل جنسی به‌گونه‌ای مراقبتی و مسئولانه، کمک شایان می‌نماید. بنا بر توضیحات ارائه‌شده و بر پایه اصول چهارگانه، می‌توان سه ویژگی اساسی برای هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان برشمرد:

الف) هوش جنسی انتقادی در فضای مجازی: برای حضور در اجتماعات مجازی و در مواجهه با انبوه اطلاعات، هرچه میزان بهره‌مندی کودکان از هوش انتقادی بیشتر باشد، به همان اندازه از افتادن در دام پیام‌های غلط جنسی و آسیب‌های مربوط به آن مصون خواهند ماند، درست مشابه آنچه که لیپمن می‌گوید: «هرقدر کودکان عادت تفکر دقیق و نقادانه را بیشتر کسب کنند، بهتر می‌توانند نظام‌مندتر به شواهد واقعی برسند و روش‌های متفاوت برای عمل کردن را بررسی کنند، به‌جای اینکه تنها داورهای خود را مبتنی بر شایعات، تأثیرات اولیه یا احساس‌های فردی قرار دهند» [۴۱].

به‌طورکلی در برنامه فلسفه برای کودکان، تعریف لیپمن از تفکر انتقادی عبارت است از تفکری پاسخگو و ماهرانه که قضاوت‌ها را تسهیل می‌کند؛ چراکه متکی به ملاک و حساس به زمینه‌ای است که در آن رویداد اتفاق افتاده است و همراه با فرایند خود تصحیحی است [۴۲ و ۸] به‌گونه‌ای که منجر به افزایش بازده مطلوب رفتارهای فرد با استفاده از راهبردها و مهارت‌های شناختی می‌شود. باید گفت تفکر انتقادی اندیشیدن درباره شیوه تفکر و اندیشیدن خود است [۴۲] و مستلزم آن است که فرد بتواند خارج از متن، تفکر کند. این توانایی تفکر را می‌توان از ویژگی‌های جوامعی دانست که در آن‌ها به حل منطقی مشکلات توجه می‌نمایند [۴۳]. که سرانجام منجر به توسعه جهان‌بینی منسجم و سنجیده، توانایی ساخت استدلال منطقی و بهبود مدیریت اطلاعات در فرد می‌شود [۴۴].

بنابراین با تکیه بر اهداف برنامه فلسفه برای کودکان، می‌توان با تأکید بر ارتقاء هوش جنسی در فضای مجازی بر پایه‌ی مهارت فکری تفکر نقاد، تلاش نمود تا کودکان، در مواجهه با فناوری‌های فضای مجازی و آسیب‌های جنسی موجود در آن‌ها به شکلی هوشیار و آگاه حاضر شوند. برای مثال، کودکان تصور می‌کنند انواع شبکه‌های مجازی تنها

«اخلاق جنسی» به کار گرفته شود، توجه به این نکته است که، در اغلب اوقات خطاها حاصل پلیدی فرد نبوده، بلکه تنها حاصل ناتوانی فرد در تصور رویکردی سازنده یا خلاقانه به وضعیتی ناگوار هستند. به‌عبارت‌دیگر، «تخیل» برای پیش‌بینی اهداف و مقاصدی که یک فرد اخلاقی ممکن است در پی آن باشد موردنیاز است. لیپمن معتقد است، اگر بخواهیم حل مشکل اخلاقی برای همه اثربخش باشد تا حدودی باید از تخیل استفاده کنیم. تمرین در زمینه تخیل اخلاقی در برنامه فلسفه برای کودکان، به دو شکل (ملاحظه انواع متفاوت روابط وسیله - هدف و انواع مختلف روابط جزء - کل) صورت می‌گیرد. وادار کردن کودکان به این که یک موقعیت بغرنج را به اجزای آن تقسیم کنند و سپس تصور کنند که چگونه می‌توانند آن را به موقعیتی بهتر تبدیل کنند ترکیبی از این دو شکل است [۳۵].

علاوه بر این، در آموزش اخلاقی به سبک فلسفه برای کودکان نه‌تنها به استدلال و اخلاق، بلکه به وابستگی متقابل بین منطقی و اخلاق پرداخته‌شده است. به‌طوری‌که لیپمن معتقد است، پایبندی به رعایت «منطق و استدلال» به یکپارچگی بین عقاید و عادت‌ها انجامیده و بهترین راه حفظ عفت است و اگر تقوا را برای کودکان ارزش می‌دانیم، باید تا آنجا که می‌توانیم به رشد صداقت در آن‌ها کمک کنیم [۳۵]. همچنین باید توجه داشت که در عصر فضای مجازی که کودکان در انبوه اطلاعات ارزشی و ضد ارزشی محاصره شده‌اند، برای اینکه بتوانیم آن‌ها را آزادانه به سوی پذیرش ارزش‌های پایدار هدایت کنیم، همان‌طور که لیپمن معتقد است، باید اجازه دهیم تا برای همدیگر دلیل بیاورند. باید توجه داشت هنگامی که کودکان، شروع به دلیل آوردن درباره ارزش‌ها کنند به تدریج ارزش‌گذارانه فکر خواهند کرد [۳۳]. به‌گونه‌ای که افرادی تأملی و معقول بار بیابند که می‌توانند برای خودشان فکر کنند و در مواجهه با پیام‌های جنسی در جامعه مجازی، هوشمندانه در مسیر ارزش‌هایشان حرکت کنند.

مؤلفه‌های اصلی هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان:

در تعریفی از «هوش»، می‌توان به سه عنصر اصلی اشاره کرد که عبارت‌اند از: هوش تحلیلی (توانایی انسان در برخورد با مسائل که معرف توانایی کلامی، تفکر انتزاعی، پردازش اطلاعات و سازماندهی به مطالب است)، هوش خلاقانه (شامل جنبه آفریننده هوش، تولید اندیشه‌های تازه، پیشنهاد روش‌های نو، برخورد متفاوت با مسائل و ترکیب اطلاعات به راه‌های جدید) و هوش عملی (توانایی پرداختن به مسائل و مشکلات زندگی است که بر زندگی کردن واقعی بیشتر از

برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کنند نیازمند برخورداری از هوش جنسی است که می‌تواند از طریق تمرین تفکر خلاق و استدلال‌گری در اجتماع پژوهشی فلسفی و اخلاقی در برنامه فلسفه برای کودکان به دست آید.

ج) هوش جنسی مراقبتی در فضای مجازی: تفکر مراقبتی در واقع مراقبت از جریان و فرایند تفکر است. شارب تفکر مراقبتی را عامل مکمل در گفت‌وگو می‌داند که به افراد کمک می‌کند تا از دیدگاه‌های متفاوت دیگران آگاه شوند. این نوع تفکر از اندیشه‌ای درونی ناشی می‌شود و از طریق ارزش‌های فرد درک می‌شود و برای او سیستمی از ارزش‌ها را فراهم می‌کند. تفکر مراقبتی از منظری که مسئولیت‌پذیری برای تفکرآتما را ارائه می‌دهد، مراقبتی است و از منظری که ما را برای پذیرش عقاید دیگران آماده می‌کند به تفکر سایر افراد متصل می‌سازد، کار اشتراکی است [۴۶].

کودکانی که در برنامه فلسفه برای کودکان مشارکت دارند، اغلب پیوند و دوستی عمیقی، میان خود احساس می‌کنند که باعث از بین رفتن احساس عجز و از خودبیگانگی می‌شود که غالباً در جامعه‌ای بزرگ‌تر (فضای مجازی) با آن روبرو می‌شوند، و آرام‌آرام درمی‌یابند انسان‌هایی هستند که می‌اندیشند و می‌توانند با خلاقیت به جستجو و تحقیق گروهی بپردازند. آنان در همان حالی که بر آرای همدیگر تکیه می‌کنند خود را خالقان معنا و هدف و پژوهشگران امیدواری می‌یابند که مشتاق خلق جهانی زیباترند [۴۷] و با بالا رفتن عزت‌نفس، خود را «در باب تکانه‌های اطرافیان» و در تجربه جهان در عصر مجازی مقاوم می‌سازند.

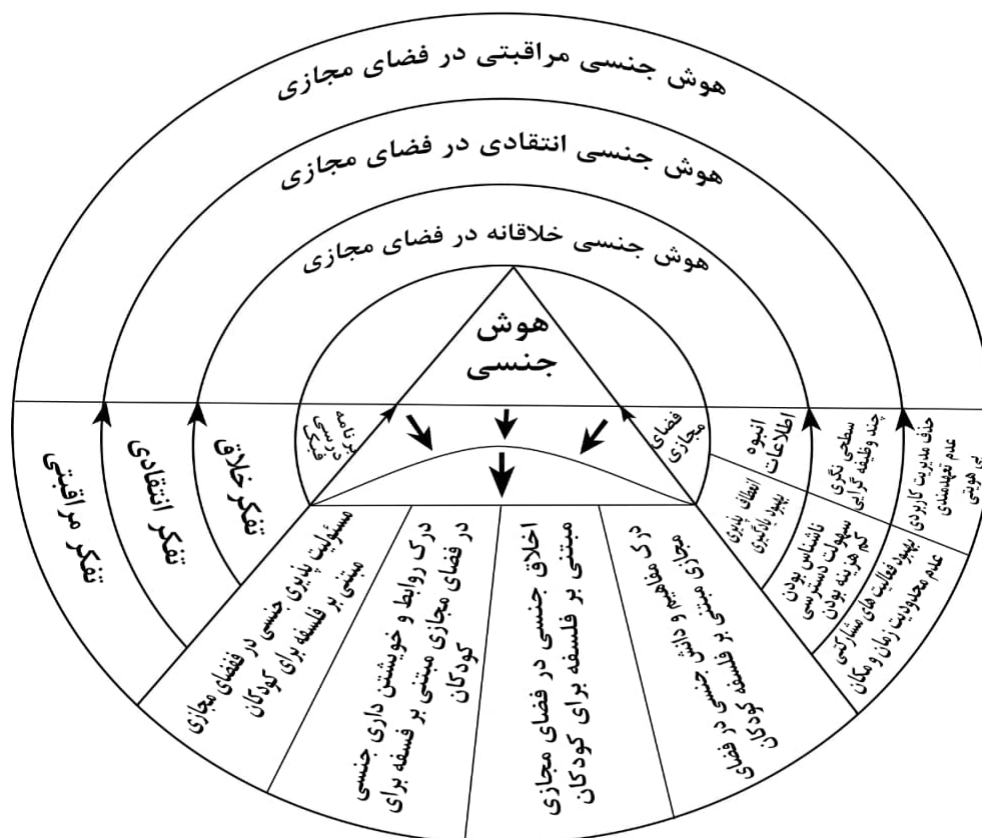
بنابراین به باور لیپمن، عبور دادن کودکان از مرحله فهم به سطح تجزیه و تحلیل و درنهایت مرحله داوری، به کمک آموزش مهارت‌های فکری صورت می‌گیرد [۴۲] که بر پایه تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر متعهدانه یا مراقبتی که همگی برگرفته از قوه تمیز فرد است قرار دارد [۴۸]. هرگاه نسبت به پرورش هریک از این سه مهارت که زیربنای هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان را می‌سازند بی‌توجهی شود، کودک در برابر فشارهای مسمومی که از ناحیه انحرافات غریزه جنسی توسط هجوم انبوه پیام‌های جنسی در فضای مجازی بر او وارد می‌شود بی‌دفاع خواهد بود. بنابراین با ارتقاء هوش جنسی در کودکان می‌توان جهت‌یابی عقلانی - اخلاقی برای مواجهه با نیازها و تمایلات جنسی کودکان فراهم نمود به‌گونه‌ای که آن‌ها را به سوی رفتار جنسی درست و زندگی مسئولانه راهنمایی کند.

پنجره‌ی محض اطلاعات هستند، لذا برای اینکه در دام تبلیغات دروغین در خصوص بی‌طرفی آن‌ها یا غیر طبقاتی بودن آن‌ها گرفتار نشوند و در دریافت اطلاعات تنها سرگرم اطلاعات آشغال نشوند لازم است به سلاح تفکر انتقادی مجهز شوند تا همه جوانب را در نظر گرفته و بعد تصمیم بگیرند.

ب) هوش جنسی خلاقانه در فضای مجازی: خلاقیت عبارت است از سازماندهی دوباره دانسته‌ها برای پی بردن به مطالبی که نمی‌دانیم. تفکر خلاق، توانایی ارائه راه‌حل‌های جایگزین، بررسی دیگر عوامل درگیر با موضوع و مکمل ضروری برای تفکر انتقادی است [۴۵]. لیپمن معتقد است تفکر خلاق، باید از چهار جنبه اصلی برخوردار باشد: تولیدکننده باشد، مبتکر باشد، جامع‌نگر بوده و ارتباط‌ها را در نظر گیرد، دارای قوه تصور بالا باشد [۸].

نکته مهم در برنامه مهارت‌های تفکر فلسفی، ترغیب کودکان به تفکر خیال‌پردازانه، همراه با تشویق آن‌ها به نقادی موشکافانه است. هنگامی که کودکان درباره چگونگی چیزها بحث می‌کنند، همیشه باید به‌طور طبیعی تلاشی به همراه آن برای کاوش اینکه چیزها چگونه می‌توانند باشند، وجود داشته باشد. ما باید از ایجاد این گمان در کودکان بپرهیزیم که چیزها نمی‌توانند جور دیگری - در قیاس با آنچه اکنون هستند - باشند. حتی درباره واقعیات هم، تشویق نکردن کودکان به تصور اینکه جهان بدون چنین واقعیاتی چگونه خواهد بود، برابر با از دست دادن فرصت ارتقای توانایی آن‌ها برای «تفکر برای خود» و تفکر خلاق است [۹].

از آنجاکه یکی از مسائل عمده مطرح در حال حاضر بر اساس اسناد موجود آماده کردن کودکان برای دنیای در حال تغییر از طریق فناوری‌های جدید می‌باشد، نیاز به آموزش تفکر خلاق در کودکان، واضح و روشن می‌گردد، در برنامه‌ی فلسفه برای کودکان فرض بر این است که از طریق انجام فعالیت‌های خلاق می‌توان تفکر منطقی انجام داد و از سوئی خلاقیت می‌تواند از طریق پرورش توانایی منطقی، پرورش یابد [۹]. بنابراین از طریق این هدف، کودکان قادر خواهند بود تا از طریق بیان تجارب خود درباره پیام‌های جنسی صادرشده از رسانه‌های محبوبی چون ویدئوگیم‌ها، انیمیشن‌ها، شبکه‌های اجتماعی و یا سایر رسانه‌ها و مورد بررسی قرار دادن آن‌ها و نیز تحلیل نتایج، در مواجهه با موقعیت‌های جدید که تجربه‌ای در خصوص آن ندارند با هوشیاری به ایده‌ای نو و منطقی برای مصون ماندن از آسیب‌های احتمالی برسند. به‌علاوه فهم این موضوع که چگونه تولیدکنندگان محتوای مستهجن در فضای مجازی از تکنیک‌های خلاقانه‌ای همچون: نورپردازی، رنگ، موسیقی



نمودار ۱. هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان

بحث و نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن و مدرنیزه‌شدنی که جهان امروز با آن مواجه است، چالش‌های متعددی را برای افراد و جامعه ایجاد کرده است. از جمله اینکه، انسان را به بعد جسمانی‌اش تقلیل داده و او را منحصراً علاقه‌مند به بدن و بی‌خبر از نیازمندی‌های ذهنی‌اش می‌کند و عملاً تفکر یا تأمل را از معادله جهان مادی حذف می‌کند. در این شرایط، ما باید تفکر را با اعمال خود همراه سازیم، همان‌طور که کانت در حال تحلیل روشنگری یا عصر عقلانیت، از ما می‌خواست جرئت کنیم با استفاده از ذهن خود در مورد جهان فکر کنیم تا بتوانیم خود را از «وضعیت اقلیت» که در آن هستیم رها کنیم، اقلیتی که نشان‌دهنده ناتوانی استفاده از تفکر خود و نیاز به هدایت همیشه توسط دیگری است. در چنین شرایطی باید گفت در مواجهه کودکان با انبوهی از اطلاعات درست و غلط پیرامون مسائل جنسی در فضای مجازی، یکی از بهترین و عقلانی‌ترین راه‌حل‌های مضمون ماندن از آسیب‌ها، توجه ویژه به اجرایی کردن نظارت درونی و خود تصحیحی از طریق رشد مهارت‌های فکری و اجتماعی در کودکان بومی دیجیتال است که در این پژوهش با هدف کلی پرورش هوش جنسی در

فضای مجازی مبتنی بر برنامه درسی فلسفه برای کودکان می‌توان به آن دست یافت.

این برنامه می‌تواند از طریق رشد «خودمختاری فکری» در کودکان که مستلزم تمایل به استفاده از هوش و دانش دیگران در صورت نیاز و توانایی هوشمند برای مقاومت در برابر اشکال مختلف فشار گروه برای مطابقت است [۴۹] و همچنین، ایجاد «مسئولیت معرفتی» که منجر به مسئولیت‌پذیری نسبت به باورهای از طریق ارتقاء قدرت فهم مفاهیم و درک روابط بین واژگان و معنا می‌شود [۵۱ و ۵۰] و نیز با پرورش «شجاعت فکری» به شکلی که شخص بتواند علی‌رغم مخالفت دیگران با ایده‌هایش، ضمن حفظ داشتن احساس خوب نسبت به آن‌ها، بر اساس آنچه که اعتقاد دارد گفتگو کند [۵۲ و ۴۹]، به تقویت هوش انتقادی، خلاقانه و مراقبتی در کودکان در مواجهه با ایده‌ها و پیام‌های جنسی ارائه‌شده در اجتماعات مجازی کمک کند.

در رویکرد «فیکی»^۱ «به امر جنسی»، «هوش جنسی»، توان ارتباط برقرار کردن بین ذهن و میل جنسی ماست، هوش جنسی به ما یاد می‌دهد در مواجهه با گزینه جنسی، بین نیازها و خواسته‌های جنسی تفاوت قائل شویم و به روشی

^۱ فلسفه برای کودکان

اصول چهارگانه حاکم بر خود می‌شود، که می‌تواند در توانمندی کودکان برای رسیدن به تفکر سطح بالا (تفکر مستقل) و خود مراقبتی برای مصون ماندن از آسیب‌های جنسی در فضای مجازی رهگشا باشد. به‌گونه‌ای که کودکان با درگیر شدن در کاوشگری‌های فلسفی و اخلاقی در اجتماعات مجازی که مستلزم تفکر نقادانه، خلاق و مراقبتی است می‌توانند ارزش‌های زیربنایی محصولات فناوری‌های جدید، از جمله جذابیت‌های جنسی، کلیشه‌های جنسیتی - اجتماعی و حتی نژادی و فرهنگی همچون تصاویر تبعیض‌آمیز، مدگرایی، و یا تقویت کلیشه‌های رایج درباره دختران همچون، بدن ابزاری یا بدن نمایی زنان، سوءاستفاده‌های جنسی و نیز رفتارهای اغواکننده و محرک‌های جنسی را مورد نقد قرار داده و این موضوع که چگونه چنین موضوعاتی به ارزش تبدیل می‌گردند را بررسی نمایند.

پیشنهادها: از آنجا که مهم‌ترین محدودیت‌های این تحقیق، مشکل یافتن داده‌ها و اطلاعات مرتبط با موضوع هوش جنسی به طور مستقیم در متون فلسفه برای کودکان و تا حدودی فضای مجازی بود که متأسفانه بخش قابل توجهی از این مشکل به تابو بودن موضوع تربیت جنسی کودکان و مغفول ماندن آن در بین محققان حوزه فلسفه و روان‌شناسی کودکان بر می‌گردد، لذا پیشنهاد می‌شود خبرگان، دانشجویان و دانش‌آموختگان آشنا به حوزه فلسفه برای کودکان و فضای مجازی، با هدایت و برگزاری همایش‌های علمی و پژوهشی در سطح ملی و بین‌المللی و توسعه تحقیقات پژوهشی مرتبط، در غنای هرچه بیشتر منابع موجود و بیرون کشیدن این موضوع از انزوا همت کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های کیفی از این دست با راهنمایی اساتید برجسته در این زمینه در قالب روش‌های تجربی و کمی نیز مورد آزمون و آزمایش قرار گیرد.

از این رو نتایج حاصله از این پژوهش می‌تواند راهنمایی باشد برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت در ایران و تمامی مربیانی که مشتاق‌اند از ظرفیت‌های فناوری در برنامه فلسفه برای کودکان استفاده نمایند به‌ویژه اولیاء و مربیانی که به دنبال یافتن برنامه‌ای کامل در جهت تربیت جنسی در فضای مجازی مبتنی بر مؤثرترین برنامه‌های آموزشی - تربیتی موجود در مجامع علمی به‌منظور رشد مهارت‌های اجتماعی و شناختی کودکان برای مواجهه صحیح با انبوه اطلاعات درست و غلط جنسی در فضای مجازی هستند. با توجه به مطالب مذکور پیشنهاد می‌شود که نظام آموزشی، به محدودیت‌های آموزش سنتی توجه نموده و با

عقلانه و آگاهانه بتوانیم احساسات جنسی خود را شناسایی و مدیریت کرده و به آسایش و آرامش برساییم. هوش جنسی به ما یاد می‌دهد که ما، در برقراری روابطمان با خود، دیگران، طبیعت و خداوند در مواجهه با میل جنسی، قرار است چگونه شخصیتی داشته باشیم. خوشبختانه هوش جنسی، اکتسابی است و می‌توان از هنگامی که کودکان در سنین پایین هستند آن را مرحله‌به‌مرحله پرورش داد. اما توجه به این نکته هم مهم است که گرچه هوش جنسی یادگرفتنی است؛ اما دستیابی به آن قطعی نیست. هوش جنسی را باید آگاهانه تقویت کرد و باید تلاش نمود تا هرچه سریع‌تر استعداد کودکان را آگاهانه در زمینه هوش جنسی پرورش داد، این‌گونه احتمال اینکه به آن‌ها کمک کنیم تا بتوانند زیربنای لازم را برای پرورش هویت جنسی استوار و ثابت در خود فراهم آورند، بیشتر خواهد بود. تا در بزرگسالی، افکار، اعتقادات و رفتاری مطابق با اصول اخلاق جنسی و سلامت جنسی داشته باشند.

برای دستیابی هرچه بیشتر به این امر، بهتر است در کنار روش راهبردی فلسفه برای کودکان در ارتقاء هوش جنسی در فضای مجازی، از فناوری‌های جدید فضای مجازی نیز در جهت پیشبرد اهداف این برنامه بهره گرفته شود. برای مثال، آن‌گونه که جان هونا می‌گوید، فناوری واقعیت مجازی می‌تواند فرصت‌های توسعه جدیدی را برای دوره‌های آموزش جنسی فراهم کند [۱۱]. این فناوری، فضای مجازی سه‌بعدی شامل بصری، شنیداری و حتی لمسی را در اختیار کاربران قرار می‌دهد تا بتوانند تجربه‌ای فراگیر داشته باشند و با نمایش دانش، تجربه انواع موقعیت‌ها و تمرین‌های مهارتی از طریق رایانه، فرصت‌های بیشتری را برای مشارکت کودکان، خانواده آن‌ها و حتی جامعه در مواجهه هوشمندانه با مسائل جنسی به ارمغان آورد [۱۳]. از آنجا که فضای مجازی با تمام ابعاد وجودی انسان و در تمام مراحل تحولی او ارتباط دارد؛ باید گفت که هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر اهداف برنامه درسی فلسفه برای کودکان نیز تک‌بعدی نبوده و تمام ابعاد رشدی کودک (تحول شناختی، تحول عاطفی، تحول هیجانی، تحول فردی، تحول اجتماعی و...) در یک هم‌زیستی و همسازگی کامل مورد توجه و پرورش قرار گرفته و در ارتباط باهم به تعادل می‌رسند.

به‌گونه‌ای که هوش جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان، بر یک هسته اصلی سه وجهی (هوش جنسی انتقادی در فضای مجازی، هوش جنسی خلاقانه در فضای مجازی و هوش جنسی مراقبتی در فضای مجازی) استوار است که در هم‌زیستی با هریک از ابعاد رشدی کودکان در مواجهه با فضای مجازی، منجر به تحقق اصلی مهم از

- 11- Jianhua H. The Dilemma and Reconstruction of College Students' Sex Education in the Age of Mobile Social Media[J]. *Social Sciences in Nanjing*. 2019;3:147156.
- 12- Maloney D, Freeman G, Robb A. A Virtual Space for All: Exploring Children's Experience in Social Virtual Reality. *CHI PLAY '20: Proceedings of the Annual Symposium on Computer-Human Interaction in Play*, 2020:472-483.
- 13- Suqun L. Design and Application of Virtual Reality Technology in School Sex Education Course, Education College of Shaoguan University, Shaoguan, Guangdong, China. 3rd International Conference on Advancement of the Theory and Practices in Education, 2019.
- ۱۴- باقری خسرو، سجادیه نرگس، توسلی طیبیه. رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۹.
- 15- Carr N. The shallows: What the Internet is doing to our brains. New York: Norton. Case, D. O. Looking for information: A survey of research on information seeking, needs, and behavior (3rd ed.). Bingley, UK: Emerald Group Publishing Limited, 2012.
- 16- Wellmon C. Why Google isn't making us stupid or smart. *The Hedgehog Review*. 2012;66-80.
- ۱۷- زرغامی سعید. فلسفه فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات مبنای خرد، ۱۳۸۸.
- 18- Pang AS. Hacking the great distractor: How to use your smartphone to protect your attention, rather than squander it. *The Pennsylvania Gazette*. 2015;14-15.
- 19- Sparrow B, Liu J, Wegner DM. Google effects on memory: Cognitive consequences of having information at our fingertips. *Science*. 2011;333:776-778.
- 20- Wegner DM, Ward AF. How Google is changing your brain. *Scientific American*. 2013:58-61.
- 21- Capra F. *The Hidden Connections*, London, Flamingo, 2003.
- 22- Merleau-Ponty M. The Visible and the Invisible, in: W. McNeill & K. S. Feldman (eds) *Continental Philosophy: An anthology*. Oxford: Blackwell Publishers, 1998:167-175.
- 23- Damasio A. *The Feeling of What Happens. Body and Emotion in the Making of Consciousness*. London, 1999.
- به‌کارگیری الگوها و روش‌های آموزشی متناسب با نیازهای ویژه این نسل و بومی‌سازی آن‌ها، در این دوره در حال گذار، درصدد ایجاد فرصت یادگیری مؤثر و کاربردی برای مخاطبان خود در جهان امروز باشد.
- ### منابع
- 1- Lenhart A, Purcell K, Smith A, Zickuhr K. Social media & mobile internet use among teens and young adults. *Pew Internet & American Life Project*, 2010.
- 2- Wadham E, Green C, Debattista J, Somerset S, Sav A. New digital media interventions for sexual health promotion among young people: a systematic review. *Sexual Health*. 2019;16:101-123.
- 3- Athreya BH, Mouza C. *Thinking Skills for the Digital Generation: The Development of Thinking and Learning in the Age of Information*. Switzerland: Springer International Publishing, 2017.
- ۴- یوسف پورنظامی ایوب. جامعه‌شناسی سیاق زیست آنلاین و بنیان‌های حقوقی امنیت اخلاقی کودکان، در تفسیری از حقوق بشر و حقوق کودک. مطالعات جامعه‌شناسی ۱۳۹۷؛۱۰(۳۹):۱۰۶-۹۱.
- ۵- حسینی حسین، عنایتی نوین‌فر علی، سراجی فرهاد. ارزیابی آموزش سواد رایانه‌ای در کتاب کار و فناوری پایه ششم ابتدایی از دیدگاه معلمان. پژوهش‌های آموزش و یادگیری ۱۳۹۵؛۱۳(۱):۳۷-۵۲.
- ۶- سعید انصاری، فرهاد سراجی و محمدرضا یوسف زاده. طراحی و اعتبار سنجی الگوی برنامه درسی آموزش سواد رسانه‌ای دوره‌ی ابتدایی. پژوهش‌های آموزش و یادگیری ۱۳۹۹؛۱۷(۲):۶۱-۷۲.
- 7- Michaud O. What Kind of Citizen is Philosophy for Children Educating? What Kind of Citizen Should it be Educating?. *Philosophical Inquiry in Education*. 2020;27(1):31-45.
- 8- Lipman M. *Thinking in Education*. Second edition, Cambridge University Press, 2003.
- ۹- لیپمن متیو، شارپ آن مارگارت، اسکانیان فردریک. فلسفه در کلاس درس، ترجمه محمدمزهی باقری نوع پرست. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.
- 10- Parmach RJ. links to a lost interlocutor: creativetension, sexual intelligence, and the story of young adult male roman catholics. *Fordham University, AAI3299114*, 2010.

- 37- Swaffield S. 'No Sleeping Partners, Relationships between Head Teachers and Critical Friends'. *School Leadership and Management*. 2005;25(1):43-57.
- ۳۸- هدایتی مهنوش. به کودکان اعتماد کنیم؛ مبانی رشد روان‌شناختی در برنامه فلسفه برای کودکان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳.
- ۳۹- دیویی جان. عقاید آموزشی من. بی جا، ۱۸۹۷.
- ۴۰- سیف علی‌اکبر. روانشناسی پرورشی نوین (روانشناسی یادگیری و آموزش). تهران: نشر دوران، ۱۳۸۷.
- 41- Lipman M. *Philosophy in the classroom*. Philadelphia: Temple university press, 1980.
- 42- Lipman M. *Philosophy Goes to School*. Philadelphia: Temple University Press, 1988.
- ۴۳- وینچ کریستوفر. استقلال، آموزش و تفکر انتقادی. ترجمه افشار امیری. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹.
- ۴۴- تیموتی کروزر اندرسون. تفکر نقادانه. ترجمه مسعود فرهمندفر. تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۹۳.
- ۴۵- فیشر رابرت. آموزش تفکر به کودکان. ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان. اهواز: انتشارات رشن، ۱۳۸۶.
- 46- Fisher R. *Teaching thinking: philosophical enquiry in the classroom*. New York: Wellington House, 2000.
- ۴۷- لیپمن متیو، شارپ آن مارگارت. در مصاحبه با ناجی. کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان، گفتگو با پیشگامان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
- ۴۸- فیشر رابرت. آموزش و تفکر. ترجمه فروغ کیان زاده. اهواز: انتشارات رشن، ۱۳۸۸.
- 49- Roberts RC, Wood WJ. *Intellectual Virtues*. Oxford: Clarendon Press, 2007.
- 50- Murriss KS. *Philosophy with Children, the Stingray and the Educative Value of Disequilibrium*. *Journal of Philosophy of Education*. 2008;42(3-4):667-685.
- 51- Stokes P. *Philosophy Has Consequences! Developing Metacognition and Active Learning in the Ethics Classroom*. *Teaching Philosophy*. 2012;35(2):143-169.
- 24- Bel D. *Bodies in cyber culture, An introduction to cyber cultures*. London: Routledge, 2001.
- ۲۵- دریفوس هیوبرت. نگاهی فلسفی به اینترنت. ترجمه علی ملائکه. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- 26- Borgman A. *Holding on to Reality: The Nature of information At The Turn of the Millennium*. Chicago: The University of Chicago Press, 1999
- 27- Apple MW. *Democratic Schools*, Washington: Dc. Association for Supervision & Curriculum Development, 1995.
- 28- Ladriere J. *The Technical Universe in an Ontological Perspective*, *Journal of Technology*. 1998;41(1):22-40.
- 29- Porter JIII, Boyer M, Robb A. *Guidelines on success- fully porting non-immersive games to virtual reality: A case study in minecraft*. In *Proceedings of the Annual Symposium on Computer-Human Interaction in Play*. 2018:405-415.
- 30- Wertheim M. *The pearly gates of cyberspace*. New York: Random House, 1999.
- 31- Elund J. *Te gendered body in virtual space: sexuality, performance and play in four Second Life spaces*. This Tesis is posted at Research Online, 2012. Retrieved from <http://ro.ecu.edu.au/theses/544>.
- ۳۲- مصباحی جمشید پرستو، سرمدی محمدرضا، فرج الهی مهران، میردامادی محمد، اسماعیلی زهره. تحلیل فلسفی فناوری و نقش آن در شکل‌گیری فضای مجازی. فناوری آموزش ۱۳۹۸؛ ۱۳(۴): ۹۴۵-۹۵۵.
- ۳۳- لیپمن متیو. فلسفه به مدرسه می‌رود. ترجمه مادینا فرهودی‌زاده و فرزانه شهرتاش. تهران: انتشارات شهرتاش، ۱۳۹۸.
- ۳۴- قانندی یحیی. مبانی نظری فلسفه برای کودکان. تهران: انتشارات مرآت، ۱۳۹۵.
- ۳۵- لیپمن متیو، شارپ آن مارگارت، اسکانیان فردریک. کودکان و مهارت‌های تفکر. ترجمه عبدالمهدی معرف‌زاده و سید منصور مرعشی و علی شریفی. تهران: انتشارات پارسیک، ۱۳۹۵.
- 36- Sharp M. *The Community of inquiry: Education for Democracy*. Routledge, 1993.

52- Baehr J. *The Inquiring Mind: On Intellectual Virtues and Virtue Epistemology*. Oxford: Oxford University Press, 2011.